

رکنیت مسئولیت مدیران در شرکت‌های تأمین سرمایه بر پایه مبانی و ضوابط آن

علی کشاورز^۱

محمدحسین انصاری حقیقی^۲

چکیده

مسئولیت مدیران در شرکت‌های تأمین سرمایه، از قواعد متفاوتی بهره می‌برد. در حقیقت با توجه به این که شرکت‌های تأمین سرمایه در قالب سهام تشکیل می‌گردد، شاید موجب این توهم شود که با توجه به بستری که برای تشکیل شرکت فراهم شده است، مسئولیت مدیران، تابع ماهیت منشأ آن می‌باشد. لذا در پی نیل به پاسخ صحیح آن، با مذاقه‌ای که در مبانی نظری مسئولیت مدیران و مبانی تشکیل و تأثیر احکام وارد بر شرکت‌های تأمین سرمایه صورت گرفته است، هم‌چنین با تحلیل توصیف‌های ذکر شده در این زمینه، نظریه مسئولیت بر پایه رکنیت مدیران در شرکت‌های تأمین سرمایه، مبنای تعیین مسئولیت به عنوان دستاورد پژوهش معرفی می‌گردد. در این زمینه از مبادی ریسک‌پذیری به عنوان جزئی از ارکان تشکیل شرکت‌های تأمین سرمایه بر پایه تخصص در تجارت و سرمایه‌گذاری، رکنیت مطلق مسئولیت مدیران در برابر ثالث و مسئولیت مطلق در برابر شرکت و به دلیل فحوی برابر ثالث در مقام عدم رعایت تخصص و متعارف بهره‌برداری شده است.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدیران، شرکت‌های تأمین سرمایه، نظریه رکن بودن مدیران، مسئولیت مطلق، شرکت‌های سهامی.

۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، جامعه المصطفی‌العالمیه (علوم و معارف)؛ قم، ایران. (قاضی دادسرا) (نویسنده مسئول).

۲ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران: Ansari.mh47@gmail.com



مقدمه

شرکت‌های تأمین سرمایه، نوعی از شرکت‌ها هستند که واسطه‌گری می‌کنند و سرمایه‌های شرکت‌های کوچک‌تر را از طریق‌های مختلف اعم از پذیره‌نویسی سهام، ورود در بورس اوراق بهادار و عرضه سهام در بورس و یا تأمین به وسیله استقراض ناشی از شراکت در سود، تأمین می‌نمایند. از این رو بعضاً با ماهیت‌های مختلفی از آنها نام برده شده است. در نظام حقوقی ایران شرکت تأمین سرمایه از جمله نهادهای مالی موضوع بند ۲۱ ماده ۱ قانون بازار می‌باشد. شورای عالی بورس ضوابط فعالیت «شرکت‌های تأمین سرمایه» را پس از پیشنهاد سازمان بورس و اوراق بهادار در تاریخ ۱۵/۵/۱۳۸۶ تصویب نمود. متعاقباً و در اجرای ماده ۲۹ قانون بازار، به منظور تدوین ساختار و نحوه عملکرد این نهاد مالی مهم و بیان اصول و خط مشی اساسی آن، هیأت مدیره سازمان در تاریخ (۱۳۸۶/۵/۲۲) اصلاحی (۱۳۹۰/۱۱/۲۹) اساسنامه نمونه شرکت‌های تأمین سرمایه سهامی خاص را تصویب نمود.^۱ با دقت در مجوزهایی که از سوی بورس و اوراق بهادار برای شرکت‌های تأمین سرمایه صادر شده و در سایت این سازمان قرار دارد، مشاهده می‌شود؛ شرکت‌های تأمین سرمایه‌ای که مجوز فعالیت دارند، همه در قالب شرکت سهامی تأسیس شده‌اند. لذا در نظام حقوقی ایران، مطابق اساسنامه نمونه مصوب سازمان بورس و در حال حاضر تمامی شرکت‌های تأمین سرمایه در قالب سهامی تأسیس می‌شوند. اداره امور نهادهای مالی، سازمان هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۱۹، با امکان تبدیل شخصیت حقوقی شرکت‌های تأمین سرمایه فعال، به شخصیت حقوقی سهامی عام و عرضه عمومی سهام آنها موافقت نمود.

با این توضیح، شرکت‌های تأمین سرمایه در صورت تمایل می‌توانند درخواست خود را به منظور تغییر شخصیت حقوقی شرکت از "سهامی خاص" به "سهامی عام" با رعایت مقررات برای این سازمان ارسال نمایند. اساسنامه نمونه شرکت‌های تأمین سرمایه (سهامی عام) در تاریخ ۱۳۹۵/۰۸/۱۲ به تصویب هیأت مدیره سازمان رسیده است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت با توجه به جدید و بی سابقه بودن و ریسک بالای فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاران خاصی که حاضر به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تأمین سرمایه هستند، بهترین ساختار و شکل حقوقی، برای تأسیس نخستین شرکت‌های تأمین سرمایه، شرکت سهامی خاص بوده است.^۲ بنابراین، در نظام حقوقی ایران مطابق با قوانین و مقررات، شرکت تأمین سرمایه، حیات حقوقی خود را پس از دریافت مجوز تأسیس و صدور مجوز فعالیت با رعایت الزامات حداقل سرمایه به میزان، ۲۰۰۰ میلیارد ریال و طبق اساسنامه نمونه مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار در قالب شرکت سهامی خاص و یا شرکت سهامی عام اداره می‌شود که با توجه به شرکت سهامی بودن، شرکت‌های تأمین سرمایه قواعد مربوط به اداره مثل تشکیل مجامع، انتخاب مدیران مدیر عامل و... طبق اساسنامه نمونه و عموماً مندرج در مواد مربوط به شرکت‌های تجاری قانون تجارت، لایحه اصلاحی و قواعد و مقررات خاص سازمان بورس و اوراق بهادار انجام می‌شود.

قضات در اختلافات مربوط به مسئولیت‌های مدیران شرکت سرمایه، معمولاً بر وظیفه امانت‌داری و وظیفه کوشش

۱- سلطانی، محمد حقوق بازار سرمایه، تهران: سمت، ۱۳۹۵.

۲- نصیری، محمد، مدیریت سرمایه شرکتها (مبانی تأمین ساختاردهی و تخصیص سرمایه شرکتها)، تهران: انتشارات دانش پژوهان جوان، ۱۳۸۹، چاپ اول



مدیران در فرآیندهای تجاری مانند ثبت و تشکیل پرونده، بررسی مناسب بودن، سرمایه‌گذاری محتاطانه و افشای اطلاعات تمرکز می‌کنند. از آنجایی که سرمایه‌گذاری شرکت سرمایه، یک سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز است، معمولاً سرمایه‌گذاران باید بار اثبات این واقعیت را که متحمل زیان شده‌اند و رابطه علت و معلولی بین رفتار مدیر صندوق و این زیان‌ها را تحمل کنند. دادگاه‌ها در قضاوت در مورد مسئولیت‌های مدیر شرکت نسبتاً محتاط هستند.

ثبت نام و تشکیل پرونده:

در صورتی که مدیر شرکت در صورت عدم وجود مقررات خاصی در قرارداد مربوطه، تعهدات ثبت و تشکیل پرونده را انجام ندهد، دادگاه معمولاً تعیین می‌کند که آیا اصل سرمایه‌گذاری شرکت در ترکیب با عناصر زیر وجود دارد یا خیر:

قرارداد مربوطه قبلاً ترتیبات اصلی سرمایه‌گذاری شرکت را مشخص کرده است، مانند حقوق و تعهدات مدیر شرکت، نحوه عملکرد آن، نحوه مشارکت سرمایه، اصل توزیع درآمد، انحلال برای برداشت و غیره. هیچ تعهدی با درآمد ثابت انجام نمی‌شود. رویه‌های اصلی سرمایه‌گذاری صندوق انجام شده است، مانند هشدار کتبی به سرمایه‌گذاران در مورد خطرات، صدور تأییدیه اشتراک شرکت سرمایه و انجام تأییدیه پیگیری.

بررسی مناسب بودن مدیران شرکت سرمایه، باید شناسایی ریسک و ظرفیت تحمل سرمایه‌گذاران را ارزیابی کنند و اطمینان حاصل کنند که مشخصات آنها با رتبه ریسک وجوهی که فروخته می‌شود مطابقت دارد. مدیر باید با ارائه موارد زیر به دادگاه ثابت کند که به تعهد خود مبنی بر بررسی صلاحیت، عمل کرده است: مدیر صندوق بیانیه افشای ریسک ارائه کرده است و سرمایه‌گذاران در پرسشنامه تحمل ریسک شرکت کرده و آن را تأیید کرده‌اند. مدیر به‌طور کامل سرمایه‌گذاران را از ویژگی‌های ریسک و بازده و شرایط محصولات شرکت مطلع کرده است و سرمایه‌گذاران به صورت کتبی تأیید کرده‌اند که داوطلبانه ریسک‌ها را بر عهده می‌گیرند.¹ شایان ذکر است که مفاد تأیید شده توسط سرمایه‌گذاران باید شامل انواع خطرات شرکت سرمایه باشد که در آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند، در غیر این صورت امضای سرمایه‌گذاران نمی‌تواند مستقیماً استنباط کند که مدیران شرکت سرمایه، به تعهدات خود در بررسی صلاحیت، عمل کرده‌اند.

در مورد عواقب حقوقی نقض الزام بررسی صلاحیت، صورت جلسه کنفرانس ملی رسیدگی به پرونده‌های مدنی و تجاری توسط دادگاه‌ها به وضوح بیان می‌کند که جبران زیان باید خسارات واقعی مصرف‌کنندگان مالی باشد. زیان واقعی اصل و سود از دست‌رفته است و سود با نرخ بهره، معیار سپرده‌های مشابه برای همان دوره صادر شده توسط بانک خلق چین محاسبه می‌شود. بنابراین، اگر سرمایه‌گذار ادعا کند که میزان زیان را با نرخ بازده سالانه مندرج در قرارداد محاسبه می‌کند، دادگاه معمولاً این ادعا را تأیید نمی‌کند. سرمایه‌گذاری محتاطانه و افشای اطلاعات با توجه به تجربه نویسندگان، ممکن است مشخص شود که یک مدیر شرکت سرمایه در شرایط زیر به تعهدات سرمایه‌گذاری محتاطانه خود عمل نکرده است: عدم بررسی محتاطانه عملیات، ساختار سهام، انطباق قانونی و امکان سنجی ترتیبات جبرانی پروژه‌های سرمایه‌گذاری؛ عدم سرمایه‌گذاری به روشی که در قرارداد مقرر شده است، مانند عدم استفاده از

1- Dr. Ajay Tyagi, via Google Books. "Capital Investment and Financing for Beginners," Page 3. Horizon Books, 2017.



دارایی صندوق طبق محدوده سرمایه‌گذاری مشخص شده، یا تغییر هدف سرمایه‌گذاری بدون مجوز؛ و عدم نظارت مستمر بر وضعیت سرمایه‌گذاری و اتخاذ تصمیمات معقول برای سرمایه‌گذاری.

هیأت مدیره، هیأتی از میان سهامداران شرکت سهامی است که وظیفه اداره شرکت را بر عهده دارند و مدیر عامل، شخصی است که توسط هیأت مدیره برای اداره امور جاری شرکت زیر نظر هیأت مدیره تعیین می‌گردد.

مفهوم تأمین سرمایه

تأمین مالی یا همان تأمین سرمایه عبارت است از فرآیند تأمین منابع مالی لازم برای فعالیت‌های تجاری یک شرکت. تأمین مالی به دو طریق اصلی انجام می‌شود که شامل ایجاد بدهی و حقوق صاحبان سهام است. تصمیمات مربوط به تأمین مالی شرکت‌ها، یکی از مهم‌ترین تصمیماتی است که مدیران واحدهای اقتصادی اتخاذ می‌کنند. این نوع تصمیم‌گیری‌ها مربوط به ساختار سرمایه و تعیین و انتخاب بهترین شیوه تأمین مالی است.^۱

تاریخچه تأمین سرمایه

اولین شرکت‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر در ایالات متحده در اواسط قرن بیستم شروع به کار کردند. ژرژ دوریو، فرانسوی که برای دریافت مدرک بازرگانی به ایالات متحده نقل مکان کرد، در مدرسه بازرگانی هاروارد مدرس شد و در یک بانک سرمایه‌گذاری مشغول به کار شد. در سال ۱۹۴۶، او رئیس شرکت تحقیق و توسعه آمریکا (ARDC)، اولین شرکت سرمایه‌گذاری خطرپذیر با بودجه عمومی شد. در ایالات متحده در سال ۱۹۶۰، ۷۰ درصد از درآمد مریل لینچ، از کمیسیون تراکنش‌ها به دست می‌آمد. در حالی که خدمات «بانک‌داری سرمایه‌گذاری سنتی» ۵ درصد بود. با این حال، مریل لینچ یک شرکت نسبتاً «خرده‌فروشی متمرکز» با شبکه کارگزاری بزرگ بود.^۲ هم‌چنین شرکت هند شرقی هلند اولین شرکتی بود که اوراق قرضه و سهام را برای عموم منتشر کرد. هم‌چنین اولین شرکت سهامی عام بود و اولین شرکتی بود که در بورس اوراق بهادار رسمی پذیرفته شد.^۳ هم‌چنین شرکت‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز در منطقه خلیج سانفرانسیسکو و دوره زمانی نیز استانداردهای عملی را که امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرند، ایجاد کردند. آنها برای نگهداری سرمایه‌گذاری، شرکت‌های محدودی راه اندازی کردند. افراد حرفه‌ای به عنوان شرکای عمومی عمل می‌کنند. کسانی که سرمایه را تأمین می‌کنند، به عنوان شرکای منفعل با کنترل محدودتری عمل می‌کنند. تعداد شرکت‌های مستقل سرمایه‌گذاری خطرپذیر، در دهه‌ی بعد افزایش یافت و باعث تأسیس انجمن ملی سرمایه‌گذاری خطرپذیر در سال ۱۹۷۳ شد.

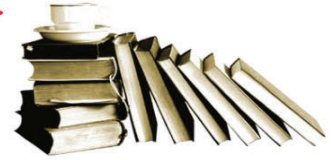
نظریه رکنیت مدیران در شرکت‌های تأمین سرمایه

سابقاً ذکر شد که شرکت‌های تأمین سرمایه تنها از طریق پذیره نویسی و در قالب شرکت سهامی می‌تواند تشکیل

^۱ سعید صالح احمدی. قانون بازار اوراق بهادار (بورس) در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۱. کتاب آوا، ۱۳۹۸.

^۲ Morrison, A. D.; Wilhelm, W. J. (2007). "Investment Banking: Past, Present, and Future" (PDF). *Journal of Applied Corporate Finance*. 19 (1): 42–54. doi:10.1111/j.1745-6622.2007.00124.x. S2CID 153324348. Archived from the original (PDF) on 2020-10-31. Retrieved 2013-01-10.

^۳ Cross, Frank B.; Prentice, Robert A. (2007). *Law and Corporate Finance*. Edward Elgar Publishing Ltd. p. 130. ISBN 978-1847201072.



شود. لذا تعیین ماهیت حقوقی رابطه مدیران (هیأت مدیره) شرکت‌های مزبور با شرکت، بسیار حایز اهمیت است، زیرا حدود اختیارات و مسؤولیت‌های مدیران شرکت بستگی به نوع رابطه حقوقی مذکور دارد. با توجه به نظریه‌های مطرح شده در این ارتباط، در مقاله حاضر با جمع آوری اطلاعات به طریق کتابخانه‌ای و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نظریه رکنیت پرداخته و آن را به شرح آتی تجزیه و تحلیل می‌کنیم:

الف- بیان نظریه

با توجه به این‌که نظریه‌های وکالت و نمایندگی قانونی مدیران شرکت‌های تجاری نمی‌تواند توجیه‌کننده مسؤولیت شرکت در قبال اعمال خارج از حدود اختیارات مدیران باشد و از طرفی مدیران را نمی‌توان به عنوان کارگران شرکت تجاری شناخت، نظری را که بر مبنای آن بتوان مسؤولیت شرکت را توجیه کرد این است که مدیران یکی از ارکان شرکت و جزیی از بدنه شرکت تلقی شوند. مبتکر این نظریه آلمانی‌ها بوده‌اند.^۱ برخی نویسندگان در این زمینه نوشته‌اند: "امروزه همه پذیرفته‌اند که شخص حقوقی نیز مانند انسان‌ها، مسئول زیان‌هایی است که به وسیله تشکیلات و اندام‌های تصمیم‌گیرنده آن شخص به دیگران وارد می‌شود. اجرای این نظر منطقی و عادلانه، با نمایندگی مدیران (به عنوان شخصیت و مقامی جدای از شخص حقوقی) سازگار به نظر نمی‌رسد. باید پذیرفت که تقصیر مدیران (سازمان تصمیم‌گیرنده) تقصیر شخص حقوقی است. بدین ترتیب نظر دیگری الهام می‌شود که به موجب آن سازمان تصمیم‌گیرنده یا مدیر، جزو ساختمان و سازمان شخص حقوقی است؛ اندام یا عضوی است که به وسیله آن اراده شخص حقوقی اعلام می‌شود و فعالیت‌ها شکل خارجی می‌گیرد. اگر مدیران گاه نماینده شخص حقوقی نامیده می‌شوند، به همان اعتبار و معنی است که در حقوق عمومی گفته می‌شود. "اعضای مجلس نمایندگان مردم هستند" در حالی که اراده آنان مظهر اراده عمومی است و مجلس اندام تصمیم‌گیری در ساختمان حقوقی دولت است.^۲ در نتیجه، بین اراده شخص حقوقی و سازمان مدیریت آن، وحدت وجود دارد و مدیران تنها به نام شخص حقوقی و حفظ نظام و منافع آن اقدام می‌کنند. مؤلفی دیگر^۳ نیز در این باره می‌نویسد: «لایحه قانونی ۱۳۴۷ برای مدیران که به صورت هیأتی عمل می‌کنند، به عنوان رکنی از ارکان شرکت سهامی، صلاحیت‌ها و اختیاراتی را پیش‌بینی نموده است که از حدود صلاحیت وکیل در مقابل موکل فراتر می‌رود... اگر می‌توانستیم مدیر را وکیل تلقی کنیم، بی شک او می‌توانست هر وقت مایل باشد استعفا کند، بدون این‌که مجبور باشد استعفا خود را توجیه کند (ماده ۶۷۸ ق.م.ا). اما مدیر، رکنی از ارکان شرکت است و اختیارات خاصی دارد که در قالب وکالت نمی‌گنجد و انجام دادن این اختیارات دارای مسؤولیت مدنی و کیفری شخصی است. به همین دلیل، به‌طور کلی نمی‌تواند هر وقت که تمایل دارد، این اختیارات را رها کند و از زیر بار تعهدات ناشی از وظایف خود شانه خالی کند».

حکم ماده ۵۸۹ قانون تجارت که مقرر می‌دارد: "تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون

^۱ صادقی نشاط، امیر و هادی شعبانی کندسری، «اعتبار محدودیت اختیارات مدیران و مدیرعامل شرکت‌های سهامی؛ نقد رویه قضایی»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۸۰، ۱۳۹۵، صص ۴۵-۷۳.

^۲ محسنی، سعید و مهسا رباطی، «تحلیل حقوقی اختیارات مدیرعامل شرکت سهامی»، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، ش ۱۶، ۱۳۹۸، صص ۱-۳۱.

^۳ معتمدی، جواد، «اختیارات هیئت‌مدیره به موازات مدیرعامل؛ نقد رأی شماره ۱۴۴۷/۲۲۳۷۰۲۲۳۷۰۹۹۷۰۹۲۰ شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران»، فصلنامه رأی، ش ۲، ۱۳۹۶، صص ۵۹-۶۵.



یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود.^۱ «نظریه رکن بودن مدیران شرکت‌های تجاری» را تأیید می‌کند، زیرا در این ماده به جای نماینده یا نمایندگان از اصطلاح «مقامات» استفاده شده است. روشن است که مقامات الزاماً به معنای «نمایندگان» شخص حقوقی نیست.^۱

دلیل دیگری که نظریه رکن بودن را تأیید می‌کند این است که به موجب ماده ۱۷ لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷، شرکت سهامی پس از رعایت مقررات و تشریفات خاص و پس از تعیین مدیران و قبول سمت توسط آنان تشکیل می‌گردد و لذا مدیران به عنوان یکی از ارکان تشکیل دهنده شرکت سهامی می‌باشند و نمی‌توان آنها را وکیل یا نماینده قانونی شرکت دانست. زیرا، وکیل یا نماینده قانونی بدون وجود اصیل، متصور نیست و به بیان دیگر وجود اصیل، مقدم بر وجود وکیل یا نماینده قانونی وی می‌باشد.

با پذیرش نظریه رکن بودن مدیران شرکت‌های سهامی، سؤالی که مطرح می‌شود این است که قابل عزل بودن مدیران این‌گونه شرکت‌ها چگونه قابل توجیه است؟ در پاسخ می‌توان گفت اصولاً لزوم و جواز عقد، جزو آثار عقود نیستند، بلکه از حکم قانون‌گذار ناشی می‌شود و قابل عزل بودن مدیران شرکت تجاری هیچ‌گونه ملازمه‌ای با وجود رابطه وکالت بین مدیران و شرکت ندارد، بلکه عزل نمودن مدیران توسط مجمع عمومی شرکت از اختیاراتی است که قانون‌گذار به مجمع عمومی داده است و به همین دلیل نیز نمی‌توان عدم عزل هیأت مدیره را در اساسنامه شرکت تجاری پیش‌بینی کرد، در حالی که در عقد وکالت اصولاً امکان این امر وجود دارد.^۲

ب- آثار نظریه رکن بودن مدیران شرکت‌های سهامی

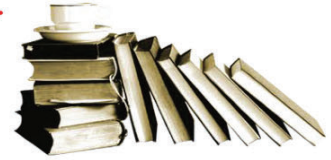
با پذیرش نظریه رکن بودن مدیران شرکت‌های تجاری، آثار این نظریه را در خصوص شرکت‌های، سهامی به شرح آتی بررسی می‌کنیم:

۱) اقتدار ارکان اداره شرکت مستقیماً از قانون است نه قرارداد:

راجع به مبنای رابطه مدیران با شرکت تجاری، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این مبنا قراردادی است یا قانونی؟ با توجه به تعریف عقد در ماده ۱۸۳ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «عقد عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد.» به نظر می‌رسد مبنای رابطه مدیران با شرکت تجاری، قرارداد نمی‌باشد، زیرا مادام که مدیران سمت خود را قبول نکرده باشند، نمی‌توان برای شرکت تجاری شخصیت حقوقی شناخت و آن را طرف قرارداد تلقی کرد. در حالی که در هر قرارداد باید دو طرف وجود داشته باشد، لذا باید گفت مبنای این رابطه قانون است. بدین نحو که قانون شرایطی را برای تشکیل شرکت تجاری، مقرر کرده و در صورتی که این شرایط تحقق یابد شرکت تجاری (شخص حقوقی) شکل می‌گیرد و مدیران، یکی از ارکان این شرکت محسوب می‌شوند. آنان با پذیرش سمت خود، اختیارات و وظایفی را که قانون و اساسنامه شرکت تجاری مقرر کرده است به عهده می‌گیرند.

^۱ قلی زاده منقوای، احد، «تحلیل حقوقی اصل اختصاص انحصاری ارگان اجرایی شرکت به مدیرعامل»، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، ۲۳، ش ۹، ۱۳۹۵، صص ۳۹-۶۹.

^۲ تفرشی، محمد عیسی، تحولات حقوقی شرکت‌های سهامی پس از انقلاب اسلامی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۵.



۲) وظایف و اختیارات هیأت مدیره همان تکالیف و حقوق شرکت است:

وقتی پذیرفتیم که هیأت مدیره از ارکان شرکت سهامی است، اراده آن، اراده شرکت تجاری تلقی می‌گردد و از این رو مانند شخص طبیعی است که اصولاً دارای اهلیت استیفا و اجرای حق است و از این رو هیأت مدیره شرکت سهامی در غیر از مواردی که اخذ تصمیم و اقدام در باره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است، دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت (در حدود موضوع شرکت) می‌باشد (ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت). البته ممکن است در مواردی به موجب قانون اهلیت، تصرف شرکت محدود گردد. مثلاً، به موجب ماده ۴۱۸ قانون تجارت، ورشکستگی شرکت موجب محدود شدن اهلیت تصرف آن و ممنوع شدن از مداخله در اموال خود می‌شود.

۳) مدیر عامل شرکت وکیل شرکت است نه وکیل هیأت مدیره:

هم‌چنان که شخص حقیقی می‌تواند برای انجام دادن امور خود وکیل انتخاب کند، شخص حقوقی نیز از این حق برخوردار است. از طرفی وقتی هیأت مدیره که از ارکان اداره شرکت سهامی است، مدیر عاملی را انتخاب می‌کند، او وکیل و نماینده شرکت تجاری خواهد بود نه وکیل هیأت مدیره. ماده ۱۲۵ ل.ا.ق.ت. نیز مؤید همین استدلال است، زیرا در باب شرکت سهامی مقرر می‌دارد: "مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد."

۴) مدیران می‌توانند اموری را که وکالت‌پذیر نیست، انجام دهند:

در حقوق مدنی، بعضی امور از جمله سوگند، شهادت و اقرار قابل توکیل نیستند^۱ [۳۲] و شخص باید بالمباشره آنها را انجام دهد. اما اگر رکن شرکت تجاری تلقی گردند، انجام این امور به وسیله آنان به نام و حساب شرکت تجاری امکان‌پذیر خواهد بود. البته بعضی از آن امور مانند شهادت دادن از سوی شخص حقوقی موضوعاً منتفی است و مدیران اگر شاهد چیزی باشند، به عنوان شخص حقیقی شهادت می‌دهند، اما اقرار مدیران شرکت تجاری (به عنوان مدیر)، اقرار شرکت تجاری محسوب شده و نافذ است. به بیان دیگر، این اقرار مشمول حکم قسمت نخست ماده ۱۲۷۸ قانون مدنی است نه قسمت دوم آن^۲ [۳۳].

۵) برای شرکت‌های تجاری می‌توان در قبال اعمال زیان‌بار مدیران و ارتکاب برخی جرایم توسط آنان مسئولیت مدنی

و کیفری فرض کرد^۳ [۳۴]:

اصولاً در حقوق کشورهای مختلف برای شرکت‌های تجاری در قبال اعمال زیان‌بار مدیران و ارتکاب جرایمی توسط آنان، مسئولیت مدنی و کیفری در نظر می‌گیرند. شرکت تجاری را به جزای نقدی، تعطیلی موقت، انحلال و یا ... محکوم می‌کنند. شرکت را مسئول جبران خسارت‌هایی تلقی می‌کنند که مدیران در خارج از حدود اختیارات خود ولی در حدود موضوع شرکت و یا حتی در خارج از حدود موضوع شرکت به اشخاص ثالث وارد می‌کنند.

^۱ محسنی راد، محمد، اختیارات و مسئولیت مدیران شرکت‌های تجاری با رویکردی بر لایحه ۱۳۹۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم

اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۵.

^۲ آراء هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری.

^۳ سامانه ملی آراء قوه قضائیه.



فرض مسئولیت مدنی و کیفری برای شرکت تجاری فقط بر مبنای نظریه رکن بودن مدیران قابل توجیه است. وقتی مدیران را رکن و به منزله جزیی از شرکت تجاری بدانیم، این خود شرکت تجاری است که خسارت وارد کرده یا مرتکب جرم شده است. در نتیجه باید آثار آن را متحمل شود. در حقوق انگلیس، برخی نویسندگان برای توجیه مسئولیت کیفری شرکت تجاری به همین نظریه توسل جسته‌اند.

مبحث دوم: جایگاه، وظایف و مسئولیت‌های مدیران در شرکت‌های تأمین سرمایه

گفتار اول: وضعیت وظایف و اختیارات مدیران

حکم ماده ۵۸۹ قانون تجارت که مقرر می‌دارد: تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند، گرفته می‌شود؛ نظریه رکن بودن مدیران شرکت‌های تجاری را تأیید می‌کند. زیرا در این ماده به جای نماینده یا نمایندگان از اصطلاح مقامات استفاده شده است. روشن است که مقامات الزاماً به معنای نمایندگان شخص حقوقی نیست^۱ به موجب ماده ۱۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷، شرکت سهامی پس از رعایت مقررات و تشریفات خاص و پس از تعیین مدیران و قبول سمت توسط آنان تشکیل می‌گردد و لذا مدیران به عنوان یکی از ارکان تشکیل دهنده شرکت سهامی می‌باشند و نمی‌توان آنها را وکیل یا نماینده قانونی شرکت دانست. زیرا وکیل یا نماینده قانونی بدون وجود اصیل متصور نیست و به بیان دیگر وجود اصیل مقدم بر وجود وکیل یا نماینده قانونی وی می‌باشد.^۲

قائل شدن اختیارات وسیعی برای مدیران در ماده « ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ و بی اعتبار دانستن محدودیت وارد بر اختیارات آنان در مقابل اشخاص ثالث، جز با نظریه وحدت یا رکن بودن، توجیه پذیر نیست؛ زیرا در این نظریه از دید اشخاص ثالث، مدیران، جزئی از شرکت‌اند و اقدام آنها به منزله اقدام شرکت است. حکم مقرر در ماده ۱۳۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت مبنی بر این‌که: اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست.

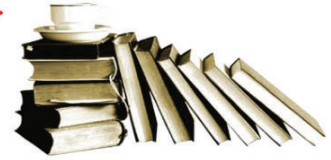
هم‌چنین با نظریه‌های وکالت و نمایندگی قانونی سازگاری ندارد و با نظریه وحدت یا رکن بودن توجیه‌پذیر است. زیرا در صورتی که تشریفات قانونی مربوط به انتخاب وکیل یا نماینده، مراعات نشده باشد، وکالت و نمایندگی بی‌اعتبار بوده، اقدام وکیل مؤثر در مقام نخواهد بود؛ در حالی که در نظریه رکن بودن، وقتی سازمان مدیریت شرکت بدون توجه به اشخاص تشکیل دهنده آن شکل گرفت و شرکت تشکیل یافت، اقدامات شرکت مؤثر و نافذ خواهد بود. اشکالات و اختلالات موجود در یکی از ارکان مربوط به خود شرکت است و تأثیری در روابط با اشخاص ثالث نخواهد داشت.^۳

پذیرش مدیران به عنوان رکنی از ارکان شرکت، نایستی آنچنان افراطی باشد که به مفهوم یکی دانستن رکن

¹ Isaei Tafreshi, 2021.

² Asghari Aghmashhadi & Isaei Tafreshi, 2016.

³ Asghari Aghmashhadi & Isaei Tafreshi, 2016.



اداره با خود شخص حقوقی به شمار رود، بلکه رکن همانند دیگر ارکان شرکت، مقید به توصیف قانون گذار از هر یک از آن ارکان هستند. بنابراین همان گونه که رکن نظارت (بازرسان) برابر با شخص حقوقی نمی باشد، نمی توان رکن اداره را دقیقاً معادل شرکت، و همه اعمال مدیران را عیناً برآمده از خواست واقعی آن شخص دانست. با این توصیف، رکنیت مدیران شرکت های سهامی به معنای آن است که جایگاه ایشان و تعریف اختیاراتشان به وسیله مقررات آمره قانونی پیش بینی گردیده به نحوی که هرگونه توافقی میان مجامع و مدیران و یا بندی در اساسنامه که بر مقررات آمره مزبور محدودیت یا خدشه ای به شمار آید، در برابر اشخاص ثالث هیچ گونه ارزشی ندارد.^۱ برآیند این تحلیل عبارت از آن است که اگرچه مدیران، منتخب مجمع عمومی بوده و حق الزحمه و مدت مأموریت آنها از سوی مرجع یادشده تعیین می گردد، لیکن در انجام مأموریت خود و اقداماتی که در اداره عام و یا امور روزانه شرکت به انجام می رسانند، دارای اختیار تامی بوده و مقررات اساسنامه یا مصوبات مجامع عمومی که ناقض اختیارات عام و نسبتاً نامحدود ایشان باشد، در رابطه با اشخاص ثالث ارزش قانونی ندارد. در نتیجه و بر پایه نظریه رکن بودن مدیران شرکت سهامی، مدیران در عین حال که جزیی از اجزای لازم در ساختار این دسته از شرکت ها به حساب می آیند، از جهت اختیارات و ارزش حقوقی اعمال چنین اختیاراتی از استقلال کامل برخوردار بوده و در برابر اشخاص خارج از شرکت، نماینده اراده بی چون و چرای شخص حقوقی محسوب می گردند، البته مشروط بر آن که اعمال و تصمیماتشان در حدود موضوع شرکت بوده و دخالت در صلاحیت های خاص مجامع نیز به شمار نیاید.^۲

در شرکت سهامی، اجزای شکل دهنده شرکت به سه عنوان یعنی جزء تصمیم گیرنده یا مجامع عمومی سهام داران، که منعکس کننده اراده و خواست صاحبان سهام محسوب می گردد و اراده جمعی اکثریت مالکین که در واقع خواست شخصیت حقوقی است از آن نشأت می گیرد؛ رکن اداره کننده یا هیأت مدیره و مدیرعامل و رکن کنترل کننده یا بازرسان قانونی شرکت که بر نحوه اداره و فعالیت شرکت و عملکرد مدیران نظارت دارند، دسته بندی می گردند. هر یک از اجزای این سازمان، کارکرد و نقش خود را در هماهنگی با سایر ارکان ایفا می کند. جایگاه و کارکرد ارگان های یاد شده در مجمع، شکل دهنده دوره حیات یا فعالیت شرکت به شمار می روند. مدیران هیأت مدیره می توانند در تمام امور به جز آن چه که در صلاحیت خاص مجامع است، اتخاذ تصمیم کنند. اجتماع صاحبان سهام امری است مستلزم صرف هزینه و وقت فراوان از سوی سهام داران، که هر روزه امکان پذیر نیست؛ لذا اصل اداره دموکراتیک شرکت، اقتضا دارد هیأتی از مدیران به نمایندگی از مجامع سهام داران انتخاب شوند. مدیران در هر حال توسط مجامع انتخاب می شوند. در پایان دوره مدیریت نیز تصویب ترازنامه و حساب های هر دوره به منزله مفاصا حساب آنها خواهد بود. پس این مجامع هستند که به مدیران اختیار اداره کردن شرکت را تفویض می کنند و در موارد مشخص می توانند با عزل آنها، به مدیریت آنها در شرکت خاتمه دهند. مدیران و مدیرعامل، نماینده شرکت محسوب می شوند و باید مانند نماینده وظیفه شناسی، مصلحت منوب عنه را رعایت کنند و از حدود اذن خارج نشوند. در این جهت، برخی اقدامات و معاملات مدیر آن که شائبه ترجیح منافع شخصی بر منافع شرکت و سهام داران

¹ Pasban, 2016.

² Pasban, 2016 .



را ایجاد کند، نیازمند تأیید و تصویب مجامع است. معاملات جزئی مدیران با شرکت، از تصویب هیأت مدیره و مجمع عمومی صاحبان سهام معاف شود. در مواردی ممکن است، صرفه شرکت در معامله با مدیران باشد. لذا بهتر است مانند کشورهای صنعتی برای معامله با مدیران در اساسنامه شرکت پیش‌بینی‌های لازم صورت گیرد. ممکن است شرکت بخواهد برای مدیران تسهیلاتی، چون تأمین اتومبیل و یا مسکن به صورت اقساط را فراهم کند. لذا به منظور جذب مدیران کارآمد و ماهر حداقل، وام و یا اعتبار قابل اعطاء تعیین شود. علاوه بر مدیران شرکت، ضرورت داشت برای مدیران شرکت اصلی، سهام‌داران عمده و مدیران میانی شرکت و دارندگان اطلاعات نهانی و همسر و فرزندان و وابستگان آنها به‌طور شفاف، محدودیت‌هایی تبیین شود.

با توجه به این‌که شرکت‌های تأمین سرمایه، تنها در قالب شرکت‌های سهامی، آن هم از نوع عام و با امکان پذیرهنویسی، قابلیت تشکیل و اقدام به فعالیت دارند؛ شرکت‌های سهامی معرفی می‌شوند:

مدیر شرکت سهامی مانند سایر اعضای هیأت مدیره، در مقابل اشخاص ثالث برای عملیاتی که انجام می‌دهد مختار است. یعنی اختیارات او را نمی‌توان محدود کرد. مبنای این نظر، ماده ۱۳۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷ است که به موجب آن: کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث، نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال، و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست. البته این نظر صحیح نیست، چرا که ماده ۱۳۵ در مقام بیان اصل مختار بودن مدیرعامل نیست، بلکه این نکته را بیان می‌کند که اعمال مدیر عامل را نمی‌توان به سبب نقص در ترتیب انتخاب او غیر معتبر تلقی کرد. فرض کنیم شخص ورشکسته‌ای برخلاف مفاد ماده ۱۲۶ ناظر به ماده ۱۱۱ لایحه مذکور برای مدیریت عامل شرکت انتخاب شده باشد؛ مفهوم ماده ۱۳۵ این است که اعمال چنین مدیرعاملی به سبب این‌که برخلاف مقررات قانونی انتخاب شده است، باطل تلقی نمی‌شود. در واقع با توجه به مفاد مواد ۱۲۵ و ۱۳۵ میتوان گفت اعمال مدیرعاملی که از جانب هیأت مدیره اختیار اقدام دارد، صحیح است و شرکت را متعهد می‌کند، حتی اگر انتخاب مدیر عامل بر خلاف مقررات قانونی بوده باشد. بنابراین بر خلاف اعضای هیأت مدیره که به موجب ماده ۱۱۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷ دارای تمام اختیارات لازم برای اداره امور شرکت و انجام وظایفشان هستند، مدیر عامل فقط دارای اختیاراتی است که هیأت مدیره به او اعطا کرده است. ^۱مع ذلک، هیأت مدیره می‌تواند به مدیرعامل اختیارات کامل بدهد که در این صورت مدیر عامل تمام اختیارات لازم را دارا خواهد بود.

مسئولیت مدیر عامل شرکت مانند مسئولیت مدنی عام، مسئولیتی مبتنی بر خطاست. بنابراین برای آن‌که مدیر یا مدیر عامل مسئول تلقی شوند، باید هنگام انجام دادن وظایف خود مرتکب خطا شده باشند و این خطا، موجب ضرر شده باشد. امری که در عمل، تشخیص آن دشوار است، طبق قواعد عام نیز، اثبات خطای مدیر و این‌که بین خطای مزبور و ضرر وارد شده، رابطه علیت وجود دارد، با مدعی ضرر است. از این قاعده که بگذریم، مسئولیت‌های مدنی مدیران و مدیر عامل بر دو نوع است: مسئولیت عادی و مسئولیت تضامنی. رژیم تحقق این دو نوع مسئولیت

¹ Kaviani, 2010.



در مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷ بیان شده است که ابتدا در مورد انواع مسئولیت مدنی و سپس در مورد تشریفات اقامه دعوی علیه مدیران و مدیرعامل به سبب تخلفشان توضیح خواهیم داد.^۱

مسئولیت‌های مدیران در شرکت‌های تأمین سرمایه

الف) انواع مسئولیت مدنی مدیران و مدیر عامل

مدیران و مدیر عامل با تخلف در انجام دادن وظایفشان ممکن است با دو نوع مسئولیت مواجه شوند: مسئولیت عادی و مسئولیت تضامنی.

۱- **مسئولیت انفرادی:** به موجب ماده ۱۴۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷: «مسئولیت عادی مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساس‌نامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی برحسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود. بنابراین مدیران و مدیرعامل برحسب مورد و بنا بر صلاحیت‌شان در موارد ذیل مسئول شناخته می‌شوند: - هرگاه از مقررات قانونی راجع به شرکت‌های سهامی تخلف کرده باشند: مانند وقتی که آنان مقررات مربوط به طرز تشکیل و طرز کار هیأت مدیره را رعایت نکرده باشند و تصمیماتی اتخاذ کرده باشند که باطل بوده و بطلان آن به اشخاص یا شرکت، زیان وارد کرده است یا وقتی که مقررات راجع به طرز تشکیل و دعوت مجامع عمومی را رعایت نکرده باشند یا مرتکب عملی شده باشند که قانون‌گذار آن را جرم تلقی کرده است (مانند کلاهبرداری، خیانت در امانت، جعل و استفاده از سند مجعول و تقلب مالیاتی).

- هرگاه مقررات اساسنامه را رعایت نکرده باشند: مانند زمانی که هیأت مدیره محدودیت‌هایی را که اساسنامه برای آنان مقرر کرده است، رعایت نکرده باشد.

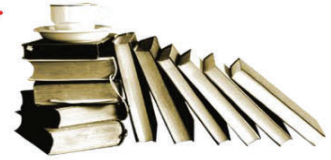
- هرگاه از تصمیمات مجمع عمومی تخلف کرده باشند.^۲ تخلف از مصوبات مجمع عمومی زمانی برای مدیران و مدیر عامل ایجاد مسئولیت می‌کند که صلاحیت آن تصمیم‌گیری را ندارند: مانند تصمیم‌گیری مجمع عمومی در مورد انجام دادن معاملاتی که داخل در موضوع شرکت نیست.

مجموعه موارد مذکور را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: اداره‌ی بد شرکت، موجب مسئولیت مدیران یا مدیر عامل است. اما آیا اداره شرکت به همین موارد محدود می‌شود؟ فرض کنیم مدیر عامل شرکتی، کارمندان بی‌کفایتی را استخدام کرده است، در حالی که در اساسنامه شرکت یا صورت جلسات مجمع عمومی شرایط خاصی برای استخدام پیش‌بینی نشده است، آیا نمی‌توان مدیر عامل را به جبران زبانی که با چنین استخدامی به اشخاص یا شرکت وارد می‌شود، محکوم کرد؟ جواب این سؤال مثبت است: ولی اگر چنین دعوایی مطرح شود، تابع مقررات عام مسئولیت مدنی است نه مقررات ماده ۱۴۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷.

در تمام موارد ذکر شده مسئولیت مدیران یا مدیر عامل، یا انفرادی است یا اشتراکی. لفظ اشتراکی در مقابل تضامنی قرار می‌گیرد، با این توضیح که در مسئولیت اشتراکی، دادگاه سهم هر کدام از مدیران و مدیر عامل را که با

¹ Foroughi, 2021.

² Kashani, 2016.



هم مرتکب تخلف شده‌اند، در ورود خسارت و جبران آن معین می‌کند و هرکدام از آنان به پرداخت قسمتی از خسارت محکوم می‌شوند. چون مسئولیت تضامنی از مسئولیت عادی سخت‌تر است، قانون‌گذار آن را فقط به موردی اختصاص داده است که تخلف، موجب ورشکستگی شرکت، قبل از انحلال یا عدم قدرت آن به پرداخت دیون، بعد از انحلال شده باشد.^۱

۲- **مسئولیت تضامنی:** ماده ۱۴۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷ مقرر کرده است: در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال، معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه صلاحیت‌دار می‌تواند به تقاضای هر ذینفع، هر یک از مدیران و مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت، به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است، منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست، محکوم نماید.

ب) اقامه دعوی ناشی از مسئولیت مدنی مدیران و مدیر عامل

به طور کلی، کسی حق اقامه دعوی ناشی از مسئولیت مدنی را دارد که از تخلف مدیران یا مدیر عامل شخصاً زیان دیده باشد. این شخص ممکن است یکی از سهامداران شرکت باشد یا یک شخص ثالث. علاوه بر این، قانون‌گذار پیش‌بینی کرده است که هرگاه بر اثر تخلف مدیران و مدیر عامل، شرکت زیان دیده باشد، اقامه دعوی به نفع شرکت نیز امکان‌پذیر است، به همین دلیل دعوی ناشی از مسئولیت مدنی مدیران و مدیر عامل، از قدیم به دو نوع تقسیم شده است: دعوی مستقیم یعنی دعوی ذینفع به حساب خود او و دعوی غیر مستقیم یعنی دعوی شریک به نام شرکت:

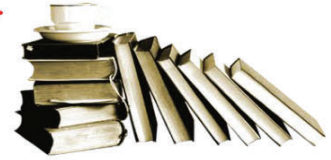
دعوی مستقیم: منظور از دعوی مستقیم اقامه دعوی شخص زیان دیده علیه مدیران و مدیر عامل متخلف است. این شخص ممکن است خود شرکت باشد یا این که از سهامداران شرکت و یا طلبکاران آن.

دعوی غیر مستقیم: این دعوی همان‌طور که گفتیم، وقتی مصداق دارد که مدیران و مدیر عامل به سببی از اسباب، خسارت وارد بر شرکت به دلیل تخلف مدیران را مطالبه نمی‌کنند.^۲

قانون‌گذار در ماده ۲۷۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷ شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک‌پنجم است: «در چنین فرضی پیش‌بینی کرده است». مجموع سهام شرکت باشد، می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضای هیأت مدیره و یا مدیر عامل، به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود، علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند. در صورت محکومیت رئیس یا هر یک از اعضای هیأت مدیره یا مدیر عامل به جبران خسارت شرکت و پرداخت هزینه دادرسی، حکم به نفع شرکت اجرا و هزینه‌ای که از طرف اقامه کننده دعوی پرداخت شده از مبلغ محکوم، به وی مسترد خواهد شد. همان‌طور که ملاحظه می‌کنیم، در صورت محکومیت اقامه کنندگان دعوی، پرداخت کلیه هزینه‌ها و خسارات به عهده آنان است. افرادی که به نام شرکت اقامه دعوی می‌کنند، اگر بُردی داشته باشند،

¹ Saghari, 2011.

² Saghari, 2011 .



برُدشان به نفع شرکت است و حاصل بُرد، بین همه سهامداران تقسیم می‌شود. ولی به عکس اگر دعویشان به نتیجه نرسد، خود باید هزینه‌های اقامه دعوی را متحمل شوند. در صورت اخیر، زمانی اقامه دعوی به نفع اقامه کننده است که آنچه به دست می‌آید به حدی زیاد باشد که در نهایت سهم او مبلغ قابل ملاحظه‌ای باشد. هرگاه شرکت ورشکسته شده باشد و دعوی براساس ماده ۱۴۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷ مطرح شده باشد، حاصل دعوی که مبلغی بیش از باقیمانده بدهی شرکت به طلبکاران او نیست، فقط به طلبکاران خواهد رسید.^۱

مدیر عامل شرکت سهامی، در اجرای وظایف مختلف خود در شرکت، ممکن است مرتکب اعمالی شود که در قانون جزای عمومی نیز پیش‌بینی شده است، از جمله کلاه‌برداری، جعل و سوء استفاده از سند مجعول و خیانت در امانت. این جرائم تابع مقررات خود خواهند بود. قانون‌گذار دلیل کافی نبودن مجازات‌های مندرج در قوانین عام جزایی در لایحه قانونی ۱۳۴۷، جرائم خاصی برای مدیران متخلف پیش‌بینی کرده است که متضمن مجازات‌های خاصی نیز هست. مسئولیت‌های کیفی مدیر عامل در اجرای وظایفشان در شرکت، صور گوناگونی دارد و هر صورتی با تخلف خاصی از طرف آنان منطبق است.^۲

گفتار سوم: ضوابط مسئولیت مدیران در شرکت‌های سهامی با استفاده از تئوری خرق حجاب شخصیت

مسئولیت محدود، مفهومی است که در آن افراد می‌توانند یک شرکت را بدون این که شخصاً مسئول بدهی‌های آن باشند، تأسیس کنند. این اساساً بخش "Ltd" در "Pty Ltd" ثبت شرکت است. مسئولیت محدود، یک اصل اساسی در حقوق شرکت‌ها است که به‌طور قابل توجهی بر نحوه شکل‌گیری و عملکرد مشاغل تأثیر می‌گذارد. این یک لایه محافظتی را برای افراد پشت یک شرکت، معمولاً سهامداران یا مالکان، با محدود کردن مسئولیت مالی آنها به میزان سرمایه‌گذاری آنها در تجارت، ارائه می‌دهد. این بدان معنی است که دارایی‌های شخصی آنها به‌طور کلی، از بدهی‌های شرکت محافظت می‌شود. هنگامی که یک شرکت با مسئولیت محدود تأسیس می‌شود، به یک شخصیت حقوقی مجزا از صاحبان آن تبدیل می‌شود. این جدایی بسیار مهم است، زیرا به این معنی است که خود شرکت مسئول بدهی‌ها و تعهدات خود است نه افراد صاحب آن. به عنوان مثال، اگر شرکتی در معرض انحلال قرار گیرد یا با اقدامات قانونی مواجه شود، دارایی‌های شخصی سهامداران یا صاحبان آن، مانند خانه، اتومبیل یا پس‌انداز شخصی آنها معمولاً در معرض خطر نیست. ضرر آنها محدود به مبلغی است که در شرکت سرمایه‌گذاری کرده‌اند. با این حال، این حفاظت، مطلق نیست. استثنائاتی وجود دارد که ممکن است مسئولیت محدود اعمال نشود.

موارد، وقایع و سناریوهای مختلفی وجود دارد که در آن می‌توان حجاب شرکت را خرق کرد و مدیر را شخصاً مسئول مسئولیت‌های شرکت می‌کند و به طلبکاران اجازه می‌دهد بدهی‌های خود را از مدیران شرکت یا شرکت‌های مادر مطالبه کنند. این استثنائات برای حجاب شرکتی، برای جلوگیری از سوء استفاده از مسئولیت محدود و تضمین مسئولیت‌پذیری در عملیات تجاری طراحی شده‌اند. این موارد عبارتند از:

¹ Kashani, 2016.

² Jonaidi & Zare, 2015 .



الف) مسئولیت شخصی مدیران در شرایط نمایندگی

اولین راهی که در مورد خرق حجاب شرکتی وجود دارد در شرایط نمایندگی است. همانطور که گفته شده است، برخی از شرکتها سرمایه‌گذاری می‌کنند و به شاخه‌های مختلف تقسیم می‌شوند یا شرکت‌هایی را افتتاح می‌کنند که نظارت می‌کنند، اما لزوماً مالک آن نیستند. این فرآیند به عنوان نمایندگی شناخته می‌شود، که به عنوان شرکتی تعریف می‌شود که بخشی از یک ساختار شرکت بزرگ است، که در آن یک سهامدار یا شرکت مادر، بر کار و فعالیت یک یا چند شرکت تابعه نظارت می‌کند. از آنجایی که شرکت فرعی از چندین جهت یک شرکت جداگانه است، ممکن است به یکی از این نوع شرکتها بدهکار باشد. بنابراین، اگر شرکت کوچک‌تر ورشکسته شود یا به هر دلیل دیگری بدهی را پرداخت نکند، آیا می‌توان بدهی را از شرکت مادر دریافت کرد؟ بله دادگاه‌ها می‌توانند آن شرکت مادر تخصصی را ملزم به اجرای مفاد تعهد نمایند.

ب) دوری از تعهدات قانونی

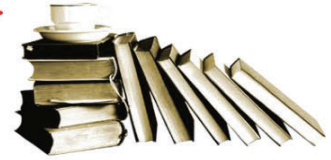
راه دیگری که می‌توان حجاب شرکت را خرق نمود تا طلبکاران بتوانند بدهی مدیران را دریافت کنند، در شرایطی است که مدیران به دنبال اجتناب از تعهدات قانونی هستند. اگر مشخص شود که مدیری از حجاب شرکتی برای اجتناب از مسئولیتها و تعهدات قانونی خود استفاده می‌کند، دادگاه ممکن است تصمیم به خرق حجاب شرکتی بگیرد. یک نمونه از این موارد این است که یک شرکت تجاری، بدهی دارد. مدیر، برای جلوگیری از پرداخت این بدهی، ممکن است تصمیم بگیرد که تمام دارایی‌ها را به یک تجارت جداگانه منتقل کند و سپس اعلام کند که شرکت ورشکسته است و این بدهی را به شما بدهکار است و تصفیه کنید.

اگر بتوان این موضوع را ثابت کرد، دادگاه احتمالاً حجاب شرکت را برداشته تا مدیر را شخصاً مسئول رفتار و بدهی مورد نظر بداند. مدیران در صورت بی‌عدالتی، شخصاً مسئول هستند. راه دیگری که می‌توان حجاب شرکت را خرق کرد تا طلبکاران بتوانند بدهی‌های مدیران را دریافت کنند، در شرایط بی‌انصافی یا بی‌عدالتی است. وقتی حجاب شرکت را به بهانه بی‌انصافی خرق می‌کنید، به دنبال آن هستید که نتیجه‌ای عادلانه یا عادلانه در نظر قانون و برای همه دست اندرکاران به دست آورید.

ج) اصل "بی‌عدالتی یا بی‌انصافی"

در زمینه خرق کردن، حجاب شرکتی به شرایطی اشاره دارد که حفظ جدایی بین یک شرکت و سهامداران یا مدیران آن (به عنوان اشخاص حقوقی متمایز) منجر به بی‌عدالتی آشکار یا رفتار ناعادلانه اشخاص ثالث می‌شود. این اصل در موارد قانونی مورد استناد قرار می‌گیرد که در آن رعایت دقیق مفهوم نهاد شرکتی منجر به آسیب یا بی‌عدالتی قابل توجهی برای افراد یا نهادهایی می‌شود که خارج از شرکت هستند. در چنین مواردی، دادگاه‌ها ممکن است تصمیم بگیرند که حجاب شرکت را خرق نمایند، به این معنی که حمایت‌های معمول شرکتی را کنار می‌گذارند تا سهامداران یا مدیران را شخصاً در قبال اقدامات یا بدهی‌های شرکت مسئول بدانند.

این تصمیم معمولاً زمانی اتخاذ می‌شود که دادگاه تشخیص دهد از ساختار شرکت به نحوی سوء استفاده می‌شود که به اشخاص ثالث آسیب می‌رساند و خرق کردن حجاب برای اصلاح وضعیت و تسکین افراد آسیب‌دیده ضروری است.



این اصل با احتیاط و بر اساس مورد به مورد اعمال می‌شود، زیرا متضمن ایجاد توازن بین شناخت حقوقی اساسی یک شرکت به‌عنوان یک نهاد مجزا در برابر نیاز به جلوگیری از سوء استفاده از این شناخت به روش‌هایی است که منجر به نتایج ناعادلانه می‌شود. هدف این است که اطمینان حاصل شود که فرم شرکت به عنوان سپری برای رفتار نادرست که منجر به بی عدالتی یا بی عدالتی نسبت به دیگران می‌شود، استفاده نمی‌شود.

د) معاملات ورشکسته

مدیران موظفند در صورت ورشکستگی شرکت آنها، تجارت خود را متوقف کنند، به این معنی که دیگر نمی‌تواند به تعهدات مالی خود عمل کند. این وظیفه برای حمایت از طلبکاران و سایر ذینفعان بسیار مهم است. با این حال، اگر مدیری از این مسئولیت غفلت کند و شرکت همچنان در حالی که ورشکسته است به بدهی خود ادامه دهد، می‌تواند شخصاً در قبال این بدهی‌های جدید مسئول شناخته شود. این قانون به‌عنوان یک بررسی مهم برای مدیران عمل می‌کند و اطمینان می‌دهد که آنها در مدیریت سلامت مالی شرکت و حفظ منافع طلبکاران، مسئولانه عمل می‌کنند.

ه) فعالیت فونیکس

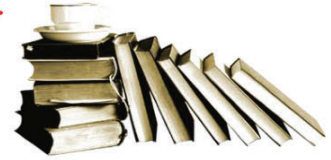
زمانی که مدیران عمداً یک شرکت را منحل می‌کنند تا از مسئولیت‌های مالی یا قانونی فرار کنند، فقط برای راه‌اندازی مجدد آن تحت پوششی جدید. چنین اقداماتی تقلب تلقی می‌شود و سوء استفاده مستقیم از ساختار شرکت است. مدیرانی که در فعالیت‌های فونیکس شرکت می‌کنند، می‌توانند شخصاً در قبال تعهدات شرکت پاسخگو باشند. این ماده مخصوصاً برای طلبکارانی که مشکوک به چنین تخلفی هستند مهم است، زیرا به آنها اجازه می‌دهد تا مستقیماً از مدیران و با دور زدن نهاد شرکتی، جبران خسارت کنند.

و) ضمانت‌های شخصی

زمانی که طلبکار در توانایی شرکت برای بازپرداخت وام شک دارد، ممکن است به ضمانت شخصی از مدیران یا سهامداران شرکت نیاز داشته باشد. این قرارداد این افراد را شخصاً مسئول می‌کند در صورتی که شرکت در پرداخت‌های خود کوتاهی کند. ضمانت‌های شخصی نشان‌دهنده خرق کردن داوطلبانه پرده شرکت است و به طلبکاران در برابر خطر عدم پرداخت تضمین می‌کند. بخشی از مسئولیت مالی را از نهاد شرکتی به افرادی که در شرکت سهامی دارند منتقل می‌کند و در نتیجه یک لایه امنیتی اضافی برای طلبکار ایجاد می‌کند. در ادامه این موارد را با جزئیات بیشتر توضیح خواهیم داد.

ز) تجارت در شرایط ورشکستگی

یکی از راه‌های جایگزین برای خرق کردن حجاب شرکتی این است که مدیر به کسب و کار اجازه داده باشد که در معاملات ورشکسته شرکت کند. همان‌طور که قبلاً بحث شد، مدیران وظایفی دارند که باید انجام شود تا موقعیت آنها به درستی انجام گردد و شرکتی که برای آن هدایت می‌کنند، محافظت شود. یکی از این وظایف این است که آنها باید از تجارت، یا تحمیل هرگونه بدهی یا هزینه اضافی، در عین حال ورشکستگی برای محافظت از طلبکاران و طرف‌های درگیر در تجارت جلوگیری کنند. پیمایش در دنیای شرکت‌ها، اغلب به مذاکره در یک پیچ و خم تشبیه می‌شود. در آن سفر،



درک نقش، وظایف و تعهدات بالقوه یک مدیر شرکت، می‌تواند قطب‌نمای شما باشد. قانون شرکت‌ها در سال ۲۰۰۶، سنگ بنای قانون شرکت‌های بریتانیا، راهنمایی جامع در مورد نقش یک مدیر ارائه می‌کند و وظایف، مسئولیت‌ها و تعهدات احتمالی آن‌ها را روشن می‌کند. مدیر فردی است که مسئول مدیریت امور یک شرکت و اتخاذ تصمیمات استراتژیک و عملیاتی برای هدایت شرکت به سوی موفقیت است. همان‌طور که توسط قانون شرکت‌ها در سال ۲۰۰۶ تعریف شده است، مدیران، ستون فقرات یک شرکت هستند و در عین حال که در چارچوب قانونی فعالیت می‌کنند، به آن جهت می‌دهند. این قانون به صراحت هفت وظیفه کلی را برای مدیران مشخص می‌کند:

- وظیفه دارند در چارچوب اختیارات خود که در اساسنامه شرکت اعطا شده است، عمل کنند و از این اختیارات برای اهداف قانونی شرکت استفاده نمایند.
- وظیفه ارتقای موفقیت شرکت به نفع اعضای آن.
- وظیفه اعمال قضاوت مستقل
- موظف به اعمال مراقبت، مهارت و کوشش معقول.
- وظیفه اجتناب از تضاد منافع
- وظیفه عدم پذیرش منافع از اشخاص ثالث.
- وظیفه مدیر شرکت برای اعلام علاقه در یک معامله یا ترتیب پیشنهادی.

رشوه در تجارت، اکیداً ممنوع است. برای مدیران شرکت مهم است که هر گونه منفعی که ممکن است در یک معامله یا توافق داشته باشند را افشا کنند. این وظیفه توسط خانه شرکت‌ها مشخص شده است.

انجام این وظایف، نه تنها نشانه‌ای از عملکرد خوب تجاری است، بلکه برای محافظت از مدیران در برابر مسئولیت‌های شخصی نیز مفید است. بنابراین، چه زمانی می‌توان یک مدیر را شخصاً مسئول دانست؟ شرایطی وجود دارد که در آن تعهدات مدیران می‌تواند متبلور شود، از جمله در موارد تجارت غیر قانونی یا متقلبانه، نقض وظیفه یا ارائه ضمانت‌های شخصی برای بدهی‌های تجاری.

در میان اصطلاحات و پیچیدگی‌های قوانین شرکتی، اصل مسئولیت محدود، نهفته است. این سنگ بنای قانون شرکت‌های بزرگ است و دلیل اصلی بسیاری از کارآفرینان برای انتخاب ساختار شرکت محدود است. با اطمینان از این که دارایی‌های شخصی آنها معمولاً در صورت مواجهه با مشکلات مالی، یک شبکه ایمنی برای مدیران شرکت فراهم می‌کند. در شرایط عادی، یک شرکت با مسئولیت محدود، یک شخصیت حقوقی مجزا از مدیران آن محسوب می‌شود، یعنی بدهی‌های شرکت از امور مالی شخصی مدیر جدا است. این «حجاب شرکتی» است که از دارایی‌های شخصی مدیر در برابر طلبکاران شرکت محافظت می‌کند.

با این حال، در زمینه تجارت، مهم است توجه داشته باشید که حجاب شرکتی را می‌توان در شرایط خاصی خرق کرد. این وضعیت می‌تواند زمانی رخ دهد که مدیران درگیر رشوه‌خواری یا کلاهبرداری باشند، یا اگر آنها از مسئولیت‌های خود که در قانون شرکت‌ها مشخص شده است، تجاوز کنند. در چنین مواردی، مدیران ممکن است شخصاً مسئول بدهی‌های شرکت باشند.

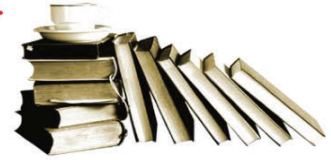


ح) نقض وظیفه امانت‌داری

یک تعهد خاص به عنوان حیاتی ظاهر می‌شود: وظیفه حسن نیت. این وظیفه، که مسلماً هسته اصلی همه مسئولیت‌های مدیریتی است، ایجاب می‌کند که مدیران همیشه صادقانه و در راستای منافع شرکت عمل کنند. وظیفه حسن نیت در قانون شرکت‌ها در سال ۲۰۰۶ ذکر شده است و در خدمت تضمین این است که مدیران تجاری، منافع شرکت را بر منافع خود ترجیح می‌دهند. این وظیفه مظهر انتظار وفاداری، انصاف و صداقت از سوی مدیر نسبت به شرکت است. این بدان معنی است که یک مدیر نباید از موقعیت خود برای منافع شخصی یا به ضرر تجارت سوءاستفاده کند و از این طریق از شرکت و سهامداران آن محافظت کند. با این حال، در زمینه یک تجارت، اگر مدیری با حسن نیت عمل نکند و وظیفه امانت‌داری خود را نقض کند، خود را در معرض مسئولیت‌های شخصی بالقوه قرار می‌دهد. این بدهی‌ها می‌تواند شامل مسئولیت شخصی در قبال هر گونه ضرری باشد که شرکت در نتیجه نقض، متحمل می‌شود. علاوه بر این، چنین تخلفی ممکن است منجر به سلب صلاحیت به عنوان مدیر بر اساس قانون سلب صلاحیت مدیران شرکت ۱۹۸۶ شود که به‌طور خاص برای تنظیم مدیران تجاری طراحی شده است. اگر رفتار متقلبانه در کسب و کار شناسایی شود، حتی می‌تواند منجر به اتهامات جنایی شود. برای درک واقعی اهمیت نقض وظیفه حسن نیت، بیایید نمونه‌های واقعی را در نظر بگیریم. در پرونده بدنام Regal (Hastings) Ltd v Gulliver، مدیران یک شرکت سینمایی از دانش به دست آمده از طریق مدیریت خود برای به دست آوردن سهام در شرکت دیگری استفاده کردند که برای Regal (Hastings) Ltd سود بالقوه داشت. آنها سود قابل توجهی داشتند. با وجود این که Regal (Hastings) Ltd در سرما کنار گذاشته شده بود، وقتی آن شرکت با بی‌حوصلگی فروخته شد، مجلس‌اعیان معتقد بود که مدیران شرکت با مسئولیت محدود، وظیفه امانت‌داری خود را در خصوص حسن نیت نقض می‌کنند. مشخص شد که آنها از موقعیت خود برای منافع شخصی سوء استفاده کرده‌اند و به این ترتیب، مسئول سودهای خود هستند. این مورد مسئولیت‌های شخصی بالقوه‌ای را که می‌تواند از نقض وظیفه حسن نیت در یک شرکت محدود ناشی شود، برجسته می‌کند. یکی دیگر از موارد معروف، رسوایی بازنشستگی Mirror Group Newspapers PLC (۱۹۹۸) با رابرت ماکسول، مدیر شرکت است. مشخص شد که ماکسول صدها میلیون پوند از طرح‌های بازنشستگی شرکت را برای حمایت از سهام گروه اختلاس کرده است. این امر نه تنها منجر به رد صلاحیت او به عنوان کارگردان شد، بلکه منجر به یک رسوایی جدی عمومی شد. این پرونده‌های واقعی به‌عنوان یادآوری جدی از مسئولیت‌های شخصی مهمی است که مدیران در صورت نقض وظیفه امانت‌داری خود در خصوص حسن نیت با آن مواجه می‌شوند. آنها بر اهمیت اساسی حفظ یک‌پارچگی و همیشه اولویت دادن به منافع شرکت هنگام انجام مسئولیت‌های مدیر تأکید می‌کنند.

ط) تجارت غیر عاقلانه

تجارت نادرست، اصطلاحی است که در قانون ورشکستگی ۱۹۸۶ جا افتاده است و با توجه به پیامدهای شدید آن، هر مدیری باید با آن آشنا باشد. به عبارت ساده، تجارت نادرست زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران با علم به این که هیچ چشم‌انداز معقولی برای اجتناب از انحلال یا مدیریت ورشکسته وجود ندارد، به تجارت ادامه می‌دهند و متحمل



بدهی می‌شوند. بر اساس بخش ۲۱۴ قانون ورشکستگی ۱۹۸۶، اگر شرکتی در انحلال ورشکستگی قرار گیرد و به نظر برسد که مدیر می‌دانست (یا باید به این نتیجه می‌رسید) که هیچ چشم‌انداز معقولی برای اجتناب از این امر وجود ندارد، دادگاه می‌تواند شخصاً مدیر را مسئول مشارکت در دارایی‌های شرکت اعلام کند. این می‌تواند اتفاق بیفتد. اگر مدیر هرگامی را که باید برای به حداقل رساندن ضرر احتمالی طلبکاران انجام نمی‌داد، انجام ندهد. بیاید این را با جزئیات بیشتر بررسی کنیم. عبارت کلیدی در اینجا «باید نتیجه می‌گرفت» است. این به سطح مهارت و مراقبتی اشاره دارد که به‌طور منطقی از فردی که وظایفی مشابه مدیر مورد نظر انجام می‌دهد، انتظار می‌رود. بنابراین مدیر نمی‌تواند با ادعای جهل به دلیل فقدان تجربه یا تخصص، از مسئولیت فرار کند. این راه را برای مسئولیت شخصی باز می‌کند. ممکن است به یک مدیر دستور داده شود که به دارایی‌های شرکت کمک کند و به‌طور مؤثری دارایی‌های شخصی او را در معرض خطر قرار دهد. اندازه این سهم به شرایط، از جمله میزان بدهی‌های شرکت انباشته شده در طول دوره تجارت غیرقانونی بستگی دارد.

علاوه بر این، یافتن تجارت نادرست می‌تواند منجر به سلب صلاحیت مدیر تا ۱۵ سال بر اساس قانون سلب صلاحیت مدیران شرکت در سال ۱۹۸۶ شود. چنین عواقبی می‌تواند به طور قابل توجهی بر زندگی حرفه‌ای و شخصی مدیر تأثیر بگذارد و بر نیاز به هوشیاری مداوم در مورد وضعیت مالی شرکت تأکید کند. توجه به این نکته ضروری است که تجارت نادرست با تجارت متقلبانه متفاوت است، که شامل قصد کلاهبرداری از طلبکاران است. تجارت متقلبانه طبق قانون شرکت‌ها در سال ۲۰۰۶ یک جرم کیفری است و می‌تواند منجر به جریمه یا حتی حبس شود. توجه داشته باشید که مسئولیت تجارت غیر قانونی بین مارس و ژوئیه ۲۰۲۱ به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا به حالت تعلیق درآمد. این به عنوان بخشی از قانون ورشکستگی و حاکمیت شرکتی ۲۰۲۰ به منظور تشخیص مشکل در تصمیم‌گیری‌های تجاری مطمئن در زمانی که ورشکستگی ممکن است به ناشناخته‌های کامل (مانند قفل کردن و اجازه تجارت) بستگی داشته باشد، اجرا شد.

نتیجه‌گیری

در حقوق ایران بر اساس ماده ۱۱۸ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷، علاوه بر تفویض اختیار اداره شرکت به هیأت‌مدیره، اتخاذ تصمیم در حدود موضوع شرکت نیز به آنها واگذار شده است. برخی از حقوق‌دانان ساختار شرکت تجاری را شامل سه رکن: مجمع شرکا، مدیران و بازرسان می‌دانند. به نحوی که مجمع شرکا در عین انعکاس اراده شخص حقوقی، (به اصطلاح) مالکین شرکت به شمار می‌روند و تصمیمات مهم شرکت را اتخاذ می‌نمایند؛ بر این اساس، سایر ارکان زیرمجموعه این رکن به شمار می‌روند. هم‌چنین مدیران، کارکرد دوگانه اداری (به عنوان اجرا کننده مقررات و مصوبات مجمع) و تصمیم‌گیری (در چهارچوب قانون و اساسنامه) دارند. هم‌چنین تحلیل ارتباط مدیریت و شرکا به رابطه وکیل و موکل بر اساس ماده ۵۱ قانون تجارت ایراد انفساخ مدیریت در فرض فوت یا حجر هر یک از شرکا (موکلین) را به همراه خواهد داشت.^۱ در حال حاضر با تصویب ماده ۱۱۸ قانون اصلاح

^۱ ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی (تهران: انتشارات میزان، ۱۴۰۰)، ۵۶۵.



قسمتی از قانون تجارت، مدیران شرکت سهامی به عنوان عضوی مستقل و با اراده واحد (در مقابل شرکت، سهامداران و ذینفعان) هستند.^۱ به نظر می‌رسد با حذف ماده ۵۱ قانون تجارت ۱۳۱۱ و تصویب ماده ۱۱۸ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت در سال ۱۳۴۷، قانون‌گذار، استقلال مدیریت شرکت سهامی را از سایر نهادهای مشابه اعلام نموده است، امری که با تحلیل «رکنیت» این جایگاه تقویت می‌گردد.

با توجه به وجود ذینفعان متعدد (سهامداران جزء، کارگران، مشتریان، جامعه، دولت و ...) در شرکت‌های تجاری (به ویژه سهامی عام)، مدیر مکلف است تمامی این مصالح (متعدد و متعارض) را مورد توجه قرار دهد. از این رو، تأمین استقلال مدیران در این مسیر راهگشا خواهد بود. در ضمیمه دستورالعمل‌های کمیسیون اروپا برخی از عوامل تهدید و مخاطرات استقلال مدیران ذکر شده است. استقلال مدیران (از منظر شخص مدیر) دارای دو جنبه «عینی یا نوعی» و «ذهنی یا انتزاعی» است؛ از حیث عینی وضعیت حقوقی پیشتر از جانب قانون‌گذار برای شخص مدیر، فارغ از علم یا عدم ایشان وضع گردیده که به عنوان قاعده آمرة در مقابل عموم قابل، استناد و احترام است و این جنبه دارای اهمیت بیشتری است، چرا که سیاست‌گذاری در تعیین حدود و ثغور استقلال مدیران به جهت موانع اجرایی، عرفی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... کاری بس دشوار است. از حیث انتزاعی یا ذهنی با وقوف و آگاهی مدیر، مبنای تفویض اختیار مطلق و قانونی (در راستای منافع شرکت و به دور از تعارض منافع)، حس اعتماد به نفس، مستقل بودن و عدم وابستگی به وی القا خواهد شد.

در حقوق ایران به موجب ماده ۱۱۸ قانون اصلاحی قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل است. با توجه به اهمیت استقلال مدیران در تصمیم‌گیری و اداره شرکت، هیأت مدیره علاوه بر اختیارات خاص، کلیه اختیارات قانونی جهت اداره امور را خواهد داشت. به نظر می‌رسد عدم محدودیت اختیارات مدیران شرکت، استقلال آنها در اجرای تعهدات و تصمیم‌گیری را در پی خواهد داشت.

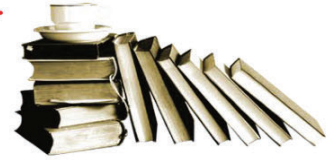
^۱ محمدرضا پاسبان، «اهلیت شرکتهای تجاری و حدود اختیارات مدیران شرکتهای تجاری»، تحقیقات حقوقی، ۱۳، ص ۱۴۴.



منابع و مآخذ:

الف) منابع فارسی

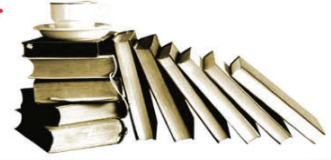
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، ج ۲، چ ۲۳، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸.
- بازگیر، یدالله، موازین حقوق تجارت در آراء دیوان عالی کشور، چاپ ۱، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۰.
- _____، منتخب آرا حقوقی محاکم در سه دهه ۵۰، ۶۰ و ۷۰، چاپ ۱، تهران: انتشارات بازگیر، ۱۳۸۲.
- پاسبان، محمد رضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ ۱۵، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸.
- پاکدامن، رضا، حقوق تجارت، چاپ ۱، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۸.
- خزاعی، حسین، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، ج ۲، چاپ ۱، تهران: نشر قانون، ۱۳۸۵.
- تفرشی، محمد عیسی، مباحث تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
- حسن زاده، حیدر، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، ج ۱، چ ۳، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶.
- حسنی، حسن، حقوق تجارت، چاپ ۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چ ۶، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۲.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد ۲، چاپ ۲۵، تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۹۵.
- دم‌چیلی، محمد، علی حاتمی و محسن قرائی، قانون تجارت در نظم حقوق کنونی، چاپ ۲۶، تهران: انتشارات دادستان، کتاب آوا، ۱۳۹۷.
- صفری، محمد، حقوق بازرگانی شرکت‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
- _____، حقوق بازرگانی شرکت‌ها، ج ۱ و ۲، چاپ ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳.
- عبادی، محمد علی، حقوق تجارت، چاپ ۱۰، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۳.
- عرفانی، محمود، حقوق تجارت. جلد ۲، چاپ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱.
- _____، مجموعه کامل محشای قانون تجارت ایران، چ ۶، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
- کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت، چاپ ۸، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۹.
- کاویانی، کوروش، حقوق شرکت‌های تجاری، جلد ۲، چاپ ۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹.
- کاتوزیان، امیرناصر، دوره حقوق مدنی عقود معین، ج ۴، چ ۲، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۹.
- _____، مقدمه علم حقوق، چاپ ۴، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷.
- خادم سربخش، مهدی و موسی طوبائی، اصول و قواعد حقوقی حاکم بر معاملات و نهاد های تجاری، چاپ ۱، تهران: انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۹۴.
- ۲۳. کنعانی، محمد طاهر، حقوق تجارت نوین، چاپ ۱، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- کیائی، کریم، حقوق بازرگانی، جلد ۱، چاپ ۲، ۱۳۵۰.
- اسکینی، ربیعا و سید الهام الدین شریفی آل هاشم، «تحلیل اختیارات مدیران شرکت‌های سهامی با توجه به مبانی رابطه مدیران با شرکت در نظام حقوقی ایران و انگلیس»، فصلنامه علمی - پژوهشی مدرس علوم انسانی، ش ۱۷۱، ۱۳۷۹، صص ۱-۱۶.
- پاسبان، محمد رضا و جواد نیک نژاد، «جایگاه حقوقی مدیران در شرکت‌های سهامی»، تحقیقات حقوقی بین المللی، د ۴، ش



- صادقی نشاط، امیر و هادی شعبانی کندسری، «اعتبار محدودیت اختیارات مدیران و مدیرعامل شرکت‌های سهامی؛ نقد رویه قضایی»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۸۰، ۱۳۹۵، صص ۴۵-۷۳.
- محسنی، سعید و مهسا رباطی، «تحلیل حقوقی اختیارات مدیرعامل شرکت سهامی»، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، ش ۱۶، ۱۳۹۸، صص ۱-۳۱.
- معتمدی، جواد، «اختیارات هیئت‌مدیره به موازات مدیرعامل؛ نقد رأی شماره ۱۴۴۷/۲۲۳۷۰۲۲۳۷۰۹۹۷۰۹۲۰ شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران»، فصلنامه رأی، ش ۲، ۱۳۹۶، صص ۵۹-۶۵.
- قلی زاده منقوای، احد، «تحلیل حقوقی اصل اختصاص انحصاری ارگان اجرایی شرکت به مدیرعامل»، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، ۲۳، ش ۹، ۱۳۹۵، صص ۳۹-۶۹.
- تفرشی، محمد عیسی، تحولات حقوقی شرکت‌های سهامی پس از انقلاب اسلامی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۵.
- محسنی راد، محمد، اختیارات و مسئولیت مدیران شرکت‌های تجاری با رویکردی بر لایحه ۱۳۹۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۵.
- آراء هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری.
- سامانه ملی آراء قوه قضائیه.
- سلسه نشست‌های دادگستری در استان‌های مختلف قوه قضائیه.
- لایحه جدید قانون تجارت سال ۱۳۹۱.
- نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

ب- منابع غیر فارسی

- Anabtawi, Iman and Stout, Lynn, Fiduciary Duties for Activist Shareholders, UCLA School of Law, Law & Economics Research Paper Series, 2006, NO.08-02.
- Black, Professor Bernard S, The Principal Fiduciary Duties of Boards Of Directors , Stanford Law School, Presentation at Third Asian Roundtable on Corporate Governanc, 2001.
- Black, Henry, Black's Law Dictionary, West Publishing Co, London, 6th edition, 1891.
- Brudney, Victor, Contract and Fiduciary Duty in Corporate Law, Boston College Law Review, 1997, Vol. 38, Issue 4 Number4.
- Dine, Janet, Company Law, Palgrave Macmillan, Houndmills, Basingstoke, Hampshire, 4th Edition, 2001.
- Davies, Paul, Principle Of Modern Company Law, London, Sweet And Maxwell, 8th edition, 2007.
- Furlow, Clark W., Good Faith, Fiduciary Duties and The Business Judgment Rule In Delaware, Utah Law Review, 2009, No. 3.
- Gold, Andrew, New Concept of Loyalty in Corporate Law, UC Davis Law Review, 2009, Vol. 43.
- Gordon.Smith, The Critical Resource Theory of Fiduciary Duty, Florida, Vanderbilt Law Review, 2002, Vol. 55. No. 5.
- Grantham.Ross, Can Directors Compete with the Company, The Modern Law Review, 2003, Vol. 66,
- Gregory, William A., The Fiduciary Duty of Care: A Perversion of Words, 38 Akron L, 4 Number 181, 2005.



- Foerster, Christopher and Ferber, Celeste, Fiduciary Duties and other Responsibilities of Corporate Director And Officers, United states of America., 4 Edition, 2008.
- Mayson, French and Ryan, Christopher, French, Derek, Company Law, London, Blackstone Press Ltd, 27th edition, 2011.
- Opoku, Kwasi, What is really wrong with insider trading?, University of Cape Town, 2014.
- Padfield, Colin F and Barker, D. L. A, Law made simple, London, Oxford, 7th edition, 2007.
- Pasban.Mohammadreza, A Review of Director Liabilities Of an Insolvent Company In The U.S And England, The Journal of Business Law, 2001.
- Salmon.Paul, Director's Duties And Liabilities Under Companies Act 2006, Salans LLP, London, 2008.
- Treitel.G.H., The Law Of Contract, Stevens, Sweet & Maxwell, London, 7th edition, 1990.
- Velasco.Julian, How Many Duties Are There In Corporate Law? Southern California Law Review, 2010, Vol. 83.
- Wade.Cheryl L., Corporate Governance Failures And The ManagerialOf Care, St.Johns Law Review, London, 2012, Issue 4 Vol. 78, Number4.



The Structural Basis of Managerial Liability in Investment (Capital Supply) Companies: Foundations and Legal Principles

Ali Keshavarz¹

Mohammad Hossein Ansari-Haghighi²

Abstract

The liability of managers in investment (capital supply) companies is governed by distinct legal principles. In fact, given that such companies are established as joint-stock entities, this may create the illusion that the managers' liability merely follows from the legal nature of the company's formation. Therefore, in pursuit of a sound answer, a detailed examination of the theoretical foundations of managerial liability, along with the formation and legal effects concerning investment companies, has been undertaken. Through analysis of the relevant descriptions and concepts, the research introduces the theory of liability based on the structural role of managers in investment companies as the main outcome. In this framework, risk-taking is considered an inherent component of the constitutive elements of investment companies built upon expertise in trade and investment. Accordingly, absolute managerial liability is recognized both toward third parties and toward the company itself, due to the implicit presumption of responsibility when professional standards and conventional practices are not observed.

Keywords: Managers' liability, Investment companies, Structural role theory of managers, Absolute liability, Joint-stock companies.

¹ Ph.D. Candidate in Private Law, Al-Mustafa International University (Sciences and Teachings), Qom, Iran. Prosecutor's Office Judge. Corresponding Author: ali.keshavarzghaza26@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Legal Principles, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran: Ansari.mh47@gmail.com